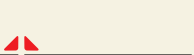


واکنشی دادستان تهران به آلودگی هوا

دادستان تهران از ابلاغیه مصوبه‌ای مبنی بر ضرورت اختصاص ۲۰ درصد تولید خودروسازها به نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی خبر داد، به گزارش ایسنا، علی صالحی در بازدید از شرکت ایران خودرو دیزل که با هدف بررسی مشکلات تولید و پیگیری رفع آنها انجام شد، بر نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی تاکید کرد. دادستان تهران با اشاره به اینکه حدود ۷۰ درصد آلایندگی هوا مربوط به حوزه خودرویی و عوامل متحرک هستند، گفت: «نوسازی اتوبوس‌ها، بدک‌کش‌ها و کامیون‌های فرسوده ضروری است.» او ادامه داد: «هفته گذشته، یکی از مصوبات جلسه هوای پاک این بود که شرکت‌های خودروساز، ۲۰ درصد تولید خود را به نوسازی ناوگان و حمل‌ونقل عمومی اختصاص دهند و این موضوع ابلاغ شد.»



بخشنامه جدید برای بحران کم آبی

وزیر بهداشت از ابلاغ بخشنامه‌ای برای صرفه‌جویی در مصرف آب در همه مراکز درمانی و دانشگاهی کشور خبر داد. او دراین باره گفت: «دستورالعمل‌هایی تدوین شده تا بدون کاهش استانداردهای بهداشتی، میزان مصرف آب به‌طور قابل‌توجهی کاهش یابد. در جلسه شورای معاونان وزارت بهداشت هم به این نکته اشاره شد که چه اقداماتی می‌توانیم دراین باره داشته باشیم. انواع و اقسام صرفه‌جویی‌ها در حوزه‌های دانشگاهی، بیمارستانی، خوابگاهی و دانشجویی، اتاق عمل و... را داریم که می‌توان موردتوجه قرار داد.» ظفرقندی ادامه داد: «این نکات در قالب بخشنامه به همه دانشگاه‌های علوم پزشکی ابلاغ شده و امروز مصوب شد که به‌عنوان پیگیری، بخشنامه‌ای برای انواع کارها یا رعایت استانداردها و توجه کافی به بحث صرفه‌جویی داشته باشیم، در جراحی، زمانی حدود پنج دقیقه برای شستن دست در نظر گرفته می‌شود و در دستورالعمل‌های ابلاغ‌شده مشخص کردیم که چطور می‌توان مصرف آب در این حوزه را بدون کاهش استانداردها کاهش داد.»

برای جابایی و ادغام اجباری طردشدگان از معابر شهری طراحی می‌شوند، در اغلب موارد این سیاست در قالب برپایی بازارچه‌های موقت و در دوره‌هایی که بر خورد با دستفروشان شدیدتر می‌شود اجرا شده و دستفروشان را به میانجی ادغام در بازارچه‌ها از معابر شهری طرد می‌کند.»

این پژوهشگر اجتماعی در ادامه تشریح نسبت میان سیاست‌های مدیریت شهری و دستفروشان در ایران، توضیح می‌دهد که «عوامل متعددی در ظهور و رشد دستفروشی در دهه‌های اخیر و خصوصاً سالیان گذشته ایفای نقش می‌کنند. رشد شهرنشینی و بدون تناسب با امکانات ایجاد مشاغل شهری، توسعه نامتوازن، مهاجرت اجباری به کلان‌شهرها، افت فعالیت تولیدی کشاورزی متأثر از کاهش منابع آب، اتوماتیزه شدن هر چه بیشتر تولید صنعتی، رشد هزینه‌های خانوار در قالب کاهش درصد خانوارهای مالک مسکن و افزایش سهم خانوارهای دارای مسکن استیجاری، گسترش یخش خدمات و غلبه آن بر دیگر بخش‌های اقتصادی و به تبع آن توزیع و فروش اجناس، فقر، بیکاری و عدم وجود فرصت‌های شغلی کافی یا مشاغل متناسب با سطح سواد و تخصص برای تعدادی از افراد جامعه، افزایش نرخ تورم سالیانه و تشدید فاصله طبقاتی، ضعف حمایتی نهادهای متولی و حامی فقر، عدم کفایت درآمد کارکنان بخش رسمی و امکان جبران درآمد از طریق دستفروشی، فقدان سرمایه و گرایش به مستقل ماندن از مقررات و نهادهای از جمله این مواردند.

در پیوند با ساختار اقتصادی ناکارآمد و افزایش روزافزون هزینه‌های زندگی در کشور، زنجیره‌ای از علت‌ها قابل شناسایی است که نیاز مالی افراد را تشدید کرده و زمینه‌ساز حضور آنان در عرصه دستفروشی بوده است. مطالعه میدانی که روی دستفروشان محور ولیعصر انقلاب بوده نشان می‌دهد عواملی مانند تعدیل نیرو و از دست دادن شغل قبلی، ورشکستگی و از دست رفتن سرمایه، افزایش هزینه‌های زندگی به‌دلیل ازدواج، تولد فرزند، تحصیل، معلولیت و مشکلات جسمانی ناشی از بیماری، پیری و حوادث، بیماری صعب‌العلاج یکی از اعضای خانواده یا فوت نان آور خانواده و سابقه کیفری فرد یا یکی از اعضای نان آور خانواده که امکان یافتن شغل رسمی را از او سلب کرده است را می‌توان از جمله گره‌گاه‌هایی دانست که با فقیرسازی، تشدید چالش‌های اقتصادی و غیررسمی‌سازی، افراد را به یافتن راهی برای کسب درآمد و بهبود معیشت در خیابان سوق دهد. برخی از دستفروشان ترکیبی از این چالش‌ها را پیش از ورود به این عرصه تجربه کرده‌اند.»

پژوهشگر اجتماعی است و در گفت‌وگو با هم‌میهن از این رویه می‌گوید که در سه دهیر اخیر بر شهرداری‌های کشور غالب شده است. او توضیح می‌دهد که عامل تشدیدکننده این نگاه سوداگرانه و کسب درآمد از شهر به دهه ۱۳۶۰ و مشخصاً بند ب تبصره ۵۲ قانون بودجه کل کشور در سال ۱۳۶۲ برمی‌گردد که مطابق با آن دولت موظف بود لایحه‌ای به مجلس تقدیم کند تا به موجب آن شهرداری‌های کشور طی یک برنامه‌ریزی سه‌ساله به خودکفایی کامل دست پیدا کنند؛ بنابراین الزام شهرداری‌ها به خودکفایی مالی و کسب استقلال از بودجه‌های دولتی باعث شد تا شهرداری‌ها بیش از پیش به دنبال افزایش درآمد از فضاهای شهری و کسب درآمدهای پایدار حرکت کنند. او نمونه‌هایی از این سیاست‌ها را مطرح می‌کند: «در سال ۱۳۹۷ مصوبه‌ای با نام ساماندهی مشاغل سیار و بی‌کانون در شهر تهران تصویب شده که در این مصوبه صراحتاً قید شده که شهرداری تهران نسبت به ساماندهی مشاغل سیار و بی‌کانون در شهر به‌عنوان «یکی از منابع درآمد پایدار شهرداری» اقدام کند؛ بنابراین ما طی دهه‌های اخیر با اقتصاد سیاسی‌ای مواجهیم که به دنبال کسب حداکثر سود از فضاهای شهری است. در همین چارچوب است که معابر و فضاهای شهری به کالایی جهت فروش، اجاره یا کسب درآمد بدل می‌شوند. به‌عنوان مثال دکه‌های شهری در قالب قراردادهای مزایده با بالاترین قیمت اجاره داده می‌شوند. چون هدف صرفاً کسب درآمد است و آن کسی که بالاترین رقم اجاره‌بها را پرداخت کند، برنده مزایده و بهره‌بردار بعدی دکه‌ها خواهد بود.»

او می‌گوید شهرداری طبق قانون امکان واگذاری قسمتی از پارک‌ها و فضاهای شهری (که درواقع املاک و اموال عمومی متعلق به شهر است) را دارد و این نوع واگذاری از شمول قانون مالک و مستاجر هم مستثنی است؛ یعنی شهرداری پس از پایان قرارداد با سهولت بیشتری می‌تواند فضا را تخلیه کند: «شواهد تاریخی نشان می‌دهد میل ارکان قدرت برای ایجاد سازوکار حقوقی و کنترلی و متعاقب آن ایجاد نهادهای مرتبط برای انضباط‌بخشی و مقابله با دستفروشی در ساختارهای مرتبط با حکمرانی شهری از پیش از انقلاب وجود داشته است. پس از سال ۱۳۵۷، تشکیل ستاد مرکزی رفع سد معبر، کمیته رفع سد معبر و ستاد پاکسازی در اوایل انقلاب و دهه ۱۳۶۰ و استمرار آن تا دهه ۱۳۸۰، سپس تأسیس شرکت‌های تابعه شهرداری مانند شرکت شهریان و حریم‌بان در سال ۱۳۸۸ و شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهری در سال ۱۳۷۲ مواردی از این دست هستند.» از نگاه او به‌طورکلی در طول دهه‌های اخیر سه الگوی حکمرانی در قبال دستفروشان قابل شناسایی است:

«الگوی اول سیاست بازپس‌گیری فضای شهری از دستفروشان است. این سیاست که در قالب مقابله با دستفروشان و حذف آنها از معابر شهری صورت می‌گیرد همواره یکی از رویکردهای غالب حکمرانی شهری و نهادهای فراتر از آن مانند فرمانداری، شورای تأمین و... به مسئله دستفروشی بوده است. دهه ۱۳۶۰ و اواسط دهه ۱۳۹۰ را می‌توان نقاط بحرانی منازعات میان شهرداری و دستفروشان قلمداد کرد. سیاست بازپس‌گیری فضای شهری از دستفروشان بدون توجه به ریشه‌های اقتصادی پدید آمدن دستفروشی، در پی پاکسازی صورت‌مسئله و حذف دستفروشان از فضاهای شهری است. عمده این سیاست‌ها در سالیان اخیر با عنوان طرح‌های انضباط شهری اجرا شده است. اعمال سیاست‌های مذکور همواره امکان فعال کردن مقاومت دستفروشان، تشدید منازعات شهری و تحمیل هزینه‌های اجتماعی- سیاسی برای حاکمیت را در پی دارد، از این رو نمی‌تواند تبدیل به سیاستی دائمی شود و عموماً به شیوه‌ای دوره‌ای اجرا می‌شود. علاوه بر این اجرای دائمی چنین سیاست‌هایی نیازمند هزینه‌کرد فراوان و به‌کارگیری نیروی انسانی قابل توجهی است و به نظر می‌رسد صرفه اقتصادی نداشته باشد.» او می‌گوید دومین سیاست مواجهه با دستفروشان، الگویی است که آن را «سوداگری غیررسمی» می‌نامند: «این سیاست را می‌توان اصلی‌ترین کردار حکمرانی شهری در طول سالیان اخیر دانست. درآمدزایی پنهان و غیررسمی از دستفروشان و دریافت رشوه در ازای «چشم‌پوشی تعمدی» از حضور دستفروشان در معابر هدف اصلی این سیاست است. اظهارات برخی دستفروشان و معبریان شهر تهران نشان می‌دهد که مبالغ رشوه حتی گاه با اطلاع مدیران نواحی و مناطق شهرداری تهران دریافت می‌شود. در طول سالیان گذشته به دلیل کسری بودجه شهرداری و امتناع مدیریت شهری از ایجاد منازعات فیزیکی با دستفروشان و هزینه‌های اجتماعی مترتب بر آن، سیاست درآمدزایی غیررسمی با قوت بیشتری دنبال شده است. اگرچه دریافت رشوه از سوی ماموران شهرداری سیاستی است که کم‌وبیش در طول دهه‌های گذشته نیز رایج بوده است. رشوه‌های دریافتی عموماً به‌طور هفتگی از بساط‌گستران اخذ می‌شود و به صورت فردی یا از طریق نماینده دستفروشان محدوده جمع‌آوری می‌شود. در برخی موارد نیز ماموران سد معبر از تاکتیک «خرید رایگان کالا» از دستفروشان در ازای دریافت رشوه استفاده می‌کنند.»

ایثاری سومین سیاست حکمرانی شهری را برای مدیریت دستفروشان، سیاست‌های موسوم به ساماندهی دستفروشان معرفی می‌کند: «این سیاست از حوالی سال‌های اولیه پس از انقلاب در سال ۱۳۶۱ تاکنون به شیوه حداقلی، مقطعی و موقت اجرا شده است و هرگز نتوانسته است حجم گسترده دستفروشان شهر تهران را پوشش دهد. من نام این سیاست را «طرده‌اغایی» می‌گذارم؛ چراکه عموماً به‌عنوان مکلنیزمی

فرزندان خوب داده‌ام، ولی او گفت مغازه باید امروز خراب شود. به او گفتم من به دادستانی شکایت می‌کنم. رفتح دادستانی و با یکی از مسئولان آن صحبت کردم. به او گفتم به من پنج روز مهلت بده، او پاسخ داد که ۴۸ ساعت به تو مهلت می‌دهم. شهردار منطقه ۳ هم همراه با مسئول حقوقی‌اش آنجا بود. به او گفتم سالگرد مادرم است، خواهش می‌کنم به من پنج روز مهلت دهید که وسایلم را بعد از مراسم سالگرد بیرون ببرم.» بالدی می‌گوید در نهایت آن مسئول دادستانی به او اعلام کرد که ۲۴ ساعت برای تخلیه مغازه فرصت دارد: «او به من گفت ۲۴ ساعت به تو فرصت می‌دهم، بیا امضا کن، گفتم ۲۴ ساعت نه. او هم گفت نه، الان باید خراب شود. گفتم تو را به خدا من شش تا فرزند دارم این مغازه محل امرار معاش زن و فرزندانم است، اگر می‌خواهید خراب کنید، بعد از روز پنجشنبه آن را خراب کنید. به من گفتند امضا می‌کنید یا به تو دستبند بزنیم و ببریم؟ گفتم بفرما، بپر. تماس گرفت و آمدند من را بردند.»

مجاهد بالدی تعریف می‌کند که احمد آن روز قرار بود ساعت ۱۴ به خانه برگردد که یک دقیقه با غذاخوری آنها فاصله دارد. بالدی این بخش از روایت را از زبان همسرش تعریف می‌کند و توضیح می‌دهد که «مادرش گفت ۱۰ دقیقه، یک‌ربع گذشت و احمد نیامد، گفتم شاید با اجرائیات (ستاد اجرائیات پیشگیری و کنترل نظم شهری شهرداری اهواز) به مشکل بر خورده است. او هم با دو فرزند کوچک‌مان می‌رود دم مغازه. احمد داشت با آنها صحبت می‌کرد. مغازه یک در از پشت دارد که با ریموت باز می‌شود و کلاً درهای مغازه برقی‌اند. آنها (اجرائیات) تعجب کرده بودند که او چطور رفته داخل، برق را رویش قطع می‌کنند و چون درها برقی است و دیگر کار نمی‌کند؛ یعنی احمد مانده بود در مغازه. مادرش دیده که او روی خودش بنزین ریخته است، به آنها گفته بروید، من او را ساکت می‌کنم یا حداقل در را باز کنید که من بروم پیش فرزندم. آتش‌نشانی آنجا بود، خودشان خبر کرده بودند. آنها (نیروهای اجرائیات) قانون را زیر پا گذاشته بودند؛ چون باید همراه‌شان یک مامور نیروی انتظامی می‌بردند اما پاسگاه خبر نداشت. مادرش التماس می‌کند و همان لحظه به عمویش زنگ می‌زند که بیا احمد این کار را کرده است و او از آل صافی خودش را می‌رساند.» مجاهد بالدی تعریف می‌کند: «رستوران شیشه‌ای است و نیروهای آتش‌نشانی می‌توانستند شیشه را بشکنند و بروند داخل. بچه‌های شهرداری او را تحریک می‌کنند؛ یکی می‌گوید فندک بدهم؟ کبریت بدهم؟ یک آقای «شخصی» می‌آید مادرش را می‌کشد و احمد هم وقتی این صحنه را دید فندک را زد. نیروهای آتش‌نشانی در را کمی باز می‌کنند که او را خاموش کنند و بعد از اینکه احمد خودش را سوزاند، آنها می‌آیند شیشه را می‌شکنند که جنس‌ها را بیرون بیاورند.»

به گفته مجاهد بالدی، نیروهای شهرداری بعد از این حادثه قصد داشتند احمد و مادرش را به سمت ماشین اجرائیات ببرند. او می‌گوید: «آنها مادرش را سوار می‌کنند و ابتدا می‌خواستند او را در «چهارشیر» پیاده کنند، یکی از آنها مدعی می‌شود که دادستان است، در حالی که نبود، فقط کت و شلوار پوشیده بود. مادرش گفته بود من را چهارشیر پیاده کنید، پولی ندارم که برگردم، به دلیل مشکل خونی که دارم، پلاکت خون هم پایین آمده بود. او را در آل صافی پیاده می‌کنند. خود احمد را می‌خواستند با ماشین اجرائیات ببرند یا جای دیگری ببرند پیاده کنند یا در شهرداری بازداشت کنند. بعد از نیم ساعت هم آمبولانس آمد.» بالدی هزومان از پشت تلفن، بخش دیگری از روایت این ماجرا را از عمه احمد می‌پرسد که همان زمان از آل صافی به سمت محل مغازه آمده و دیده بود که نیروهای شهرداری دومسیر رابسته بودند و به مردم می‌گفتند پاک‌بمگذاری شده است.» این دکه ۲۱ سال است که محل امرار معاش خانواده‌ام هست و هشت کارگر دارد. چهار ماه است که قرارداد ما تمام شده و با «حضرات» بستند، ولی با ما قرارداد بستند. الان وضعیت او وخیم است و فقط برایش دعا کنید. از همه پدرها و مادرهای ما خواهم برای او دعا کنند. شب بعد از این حادثه، آقای «ش» جشن تولد مجللی برای فرزندش برگزار کرده بود که اگر پول آن را به من می‌دادند من خانواده‌ام را تأمین می‌کردم.»

سه دهه کسب سود شهرداری‌ها از فضای شهری

برخورد ماموران شهرداری با کسبه و دستفروشان سابقه زیادی در شهرهای مختلف ایران دارد و تنها برخی از آنها در رسانه‌ها منتشر می‌شود؛ آخرین نمونه آن ضرب‌وششم دستفروشان قزوین توسط ماموران شهرداری بود که ۱۰ شهریور امسال رخ داد. سال ۱۴۰۰ هم خبری درباره خودکشی دستفروش جوان به دلیل جمع شدن بساط او توسط ماموران شهرداری خرم‌آباد منتشر شد. این دستفروش در میدان امام حسین خرم‌آباد یک جوان دستفروش خرم‌آبادی پس از بر خورد ماموران سدمعبر شهرداری با وی، دست به خودسوزی زده بود و در نهایت با انتقال به بیمارستان نجات داده شد. نمونه دیگر بر خورد ماموران شهرداری با یک دستفروش در تاریخ سوم دی ۱۳۹۶ بود که در نهایت او را روانه بیمارستان کرد. آبان ۱۳۹۵ هم تصاویری از سبیلی زدن مامور شهرداری به زنی دستفروش در فومن منتشر شد. یونس عساکره، دستفروشی که در خرمشهر بساط میوه‌فروشی داشت، بارها از سوی شهرداری تخریب شده بود. او در اعتراض به این رویه در ۲۳ اسفندماه سال ۱۳۹۴ خود را در محوطه ساختمان شهرداری به آتش کشید. مثال دیگر علی چراغی، یکی از دستفروشان تهران است که مردادماه سال ۱۳۹۳ به‌دلیل ضرب‌وششم توسط ماموران پیمانی سد معبر شهرداری منطقه ۴ جانش را از دست داد.

با وجود اینکه کسب و کار خانواده بالدی دستفروشی نیست، اما پیوندهای مشابهی بین مدیریت شهری و کسب درآمد از شهر در دهه‌های اخیر می‌توان پیدا کرد. مریم ایثاری،



شرکت انتقال گاز ایران

منطقه ۸ عملیات انتقال گاز

- کد فراخوان در پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات: ۵۳۲۰۲۹۹۵**
- شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۴۰۹۱۵۹۲۰۰۰۰۲۸**
- موضوع: تجدید مناقصه خرید ۸۰۰ عدد شیر پلاگ سایز ۱/۲ الی ۱۶ اینچ با ارزیابی ساده تقاضای شماره ۰۹۳/۲۰۹۳/۴۵۷۱۸۰۲ به مدت ۹ ماه تقویمی**
- نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز) / تبریز، کیلومتر ۱۵ جاده آذرشهر**
- میزان و نوع تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار: ۴/۹۸۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال مطابق بند الف ماده ۵ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (تصویب نامه شماره ۱۲/۳۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹۰۹/تاریخ ۰۹/۲۲/۱۳۹۴) در وجه شرکت انتقال گاز ایران، منطقه ۸ عملیات انتقال گاز**
- آخرین مهلت دانلود (دریافت) اسناد مناقصه و فرم‌ها: روز دوشنبه مورخ ۰۸/۲۶/۱۴۰۴ ساعت ۱۰:۰۰**
- آخرین مهلت بارگذاری (عودت) اسناد مناقصه و فرم‌ها: روز شنبه مورخ ۰۸/۰۹/۱۴۰۴ ساعت ۱۱:۰۰**
- زمان گشایش پاکات: روز یکشنبه مورخ ۰۹/۰۹/۱۴۰۴ ساعت ۱۰:۰۰ اتاق کمیسیون مناقصات.**
- پیش پرداخت: ۲۵ درصد قیمت پیشنهادی**

➡ جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی:www.nigcdist8.ir مراجعه فرمایید.

شناسه آگهی: ۲۰۴۴۰۳۵



شرکت آب وفاضلاب استان البرز

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۰۳/۰۳/۱۰/۴۳/ف آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (شماره ۱۲/۱/ی ج/۱۴۰۴)

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد اجرای عملیات بهره برداری، نگهداری و رفع حوادث و اتفاقات شبکه و انشعابات فاضلاب در محدوده عملیاتی آبفای مناطق کرج،آسارا و رجایی شهر را از محل منابع داخلی شرکت و از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط و دارای رتبه ۲ صلاحیت بهره برداری و نگهداری شبکه‌های جمع آوری فاضلاب شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور (وزارت نیرو) واگذار نماید.

➡ **برآورد پروژه، مدت اجرای پروژه، نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** برآورد براساس فهرست بهاء بهره برداری از شبکه جمع آوری فاضلاب سال ۱۴۰۴، مبلغ ۴۱۰/۸۹۸/۰۷۱/۱۵۳ریال و **مدت اجرای کار ۱۲ (دوازده) ماه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار۹۳۱/۵۹۴/۷۰۶۵۳ریال** بصورت یکی از تضامین ذکر شده در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲/۳۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹/هـ مورخ ۲۲/۰۹/۹۴ می باشد.

➡ **نحوه دریافت اسناد مناقصه:** داوطلبان می‌توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۹/۰۸/۱۴۰۴ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۲۴/۰۸/۱۴۰۴ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۱۲/۰۰۰۵۱۸۶۰۰۵۱۲ اقدام نمایند.

➡ **تلفن تماس: ۰۳۶-۳۳۱۱۷۱۵۱**

➡ **مهلت تحویل اسناد مناقصه:** مناقصه گران علاوه بر بارگذاری فایل‌های PDF در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۹ روز یکشنبه مورخ ۰۹/۰۹/۱۴۰۴، موظف به ارائه تضمین شرکت فرآیند ارجاع کار در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۰ همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز می‌باشند.

➡ **تاریخ بازگشایی پاکات:** ساعت ۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۰۹/۰۹/۱۴۰۴ خواهد بود.

سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.

شرکت آب وفاضلاب استان البرز «سهامی خاص»